

نامه مردم
از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۵۴ دوره هشتم
سال سوم - شنبه ۲۲/۲/۱۳۶۶
شماره ۲۰ ریبال

درود بر خسرو روزیه! درود آتشین بر زندانیان سیاسی!



بقیه در ص ۲

۲۱ اردیبهشت، روز آزادی درینده،
روز گل های سرخ در وزش توفان،
روز پیکرهای پخون تپیده اما پریا،
روز خروش و ایستادگی، روز پیوند
ویگانگی بخاطر تشدید مبارزه،
روز زندانیان سیاسی است. روزی
که خسرو روزیه، عضو کمیته مرکزی
حزب توده ایران، با قامت سترگ
و تناور، با لپخند دشمن شکن در
پراپر چوخه تیرپاران ایستاد و

حقایق چگونه تحریف می شوند

دیدار پتروفسکی، معاون وزیر امور خارجه
اتحاد شوروی از کویت، امارات متحده عربی،
عمان و عراق و مذاکرات وی با رهبران این کشورها
موجبات ناراحتی محافل امپریالیستی را فراهم
آورد. رسانه های گروهی غرب تفسیرهای گوناگونی
در تحریف هدف سیاست شوروی در منطقه، منتشر
ساختند. آنچه در این میان جلب توجه می کند،
همصدائی صدای ج.ا. و نیز برخی از سران رژیم با
امپریالیسم خبری است.

نماینده اتحاد شوروی در سفری که به آن
اشاره شد، چه مسائلی را مطرح کرده که در بیانیه های
رسی رژیم، در خطبه های نماز جمعه و رسانه های
گروهی ج.ا. در مطبوعات و تفسیرهای رادیو -
تلویزیونی از آنها به عنوان بهانه ای برای دامن
زدن به تبلیغات ضد شوروی بهره گیری
می شود؟

معاون وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، پس
از پایان سفر خود، طی یک مصاحبه مطبوعاتی
مسائلی را که با رهبران دولتهای یاد شده در میان
گذارده بود، با خبرنگاران در میان گذاشت.

پتروفسکی پس از اشاره به وضع وخیم در
منطقه خلیج فارس، گفت، دخالت در این منطقه و
نیز در سراسر خاور نزدیک، قبل از هر چیز، محصول
عملکرد ایالات متحده آمریکا و اسرائیل است.
لبنه نیز اتحاد استراتژیک آنها متوجه خلقهائی
است که خواهان استقرار وضع عادی در منطقه
هستند.

آیا این ارزیابی از وضع منطقه خلیج فارس و
خاور نزدیک مطابق با واقعیت موجود نیست؟
جراسران رژیم و بلندگوهای آن از افشای این
حقیقت عصبانی هستند؟

معاون وزیر امور خارجه اتحاد شوروی
گفت، مذاکرات وی نشان داد که هیچ معضلی وجود
ندارد که نتوان آن را از طریق مذاکرات سیاسی حل
کرد. پتروفسکی افزود، کشورهائی که وی از آنها
دیدار بعمل آورده، در مجموع خود آماده حل این
معضلات هستند و باید برای حل آنها به اقدامات
شخص دست زد و بدینسان خاور نزدیک را به
منطقه همکاری دولتها، تبدیل کرد.

نماینده اتحاد شوروی گفت: در حال حاضر
توافق گسترده به سود دعوت کنفرانس بین المللی
برای حل مسائل خاور نزدیک، وجود دارد. تحرک
در مواضع طرفین ذینفع، شرایط مساعد برای حل عملی
معضل خاور نزدیک بوجود آورده است. در این
بقیه در ص ۲

"ما اعتماد عمومی را از دست داده ایم...؟!"

چند روز پیش "صدای ج.ا." خلاصه
سخنرانی منتظری در برابر "مسئولین کزینش" و
"بخش سیاسی سپاه پاسداران" را پخش کرد.
خودسریها و عنان کسبختگی های این ارگانهای
سرکوبگر رژیم بجائی رسیده که منتظری به ناچار
آنها را به مراعات "قرآن و دستورات الهی" دعوت
کرد. او خطاب به اعضا "بخش سیاسی سپاه" گفت:
شما آقایان سعی کنید در "محیط اجتماع با عطف و
مهربانی" رفتار کنید. منتظری با این "نصایح" در
واقع ماهیت ضد مردمی اینگونه ارگانهای سرکوبگر
را - خواسته یا ناخواسته - فاش کرد. وی صریحاً
اعتراف کرد که سپاه پاسداران آن "جاذبه و
معنویتی که از ابتدا" داشت را از دست داده است.
چرا؟ منتظری مطابق معمول به این پرسش پاسخ
نداد.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده
ایران در بیانیه سیاسی خود، وضع کنونی جامعه را
مورد بررسی عمیق و همه جانبه قرار داد و علل و عوامل
زاینده فقر و فلاکت و بی خانمانی و تورم و بیکاری
و رشوه خواری و فساد و... حاکم بر جامعه را نشان
داد. در بیانیه هیئت سیاسی خاطر نشان شد،
تضادهائی که منجر به انقلاب بهمین گردید، در
نتیجه عدول سران مرتجع رژیم از آماجهای
انقلابی زحمتکشان، نه تنها از بین نرفته، بلکه
شدیدتر نیز شده است. مبارزه طبقاتی در جامعه
همچنان ادامه دارد. رژیم قادر به حل مشکلات عظیم
اجتماعی - اقتصادی نیست. مبارزه بر سر قدرت
جدت و شدت بیشتری می گیرد. روند جدائی
توده های محروم از رژیم تسریع می شود.

این ارزیابی از وضع مشخص جامعه تا چه
اندازه با واقعیت های موجود همخوانی دارد؟ پاسخ به
این پرسش را می توان در گفته ها و نوشته های برخی
از دست اندرکاران رژیم به آسانی یافت. در این
زمینه سخنان منتظری، محتشمی، موسوی اردبیلی و
از همه مهمتر مقاله محمد جواد حجتی کرمانی جلب
توجه می کنند.

همان روز "صدای ج.ا." خبر تشکیل جلسه ای
با حضور رئیس دیوان عالی کشور، وزیر امور
اقتصادی و دارائی و غیره، برای رسیدگی به
پرونده برادران اخوان کاشانی را که با همدستی
عده ای از کارمندان عالی رتبه رژیم میلیاردها
بقیه در ص ۲

تشدید مبارزه در آفریقای جنوبی

اعلام کرده بود که ۱۶۰۰۰ کارگر اعتصابی عضو
اتحادیه کارگران راه آهن و پنادر آفریقای
جنوبی " اخراج شده اند. اما کارگران به رغم
این اقدام غیر قانونی، با عزم راسخ به اعتصاب
خود ادامه دادند. از سوی دیگر در حمله نیروهای
امنیتی به مقر "کنگره اتحادیه های کارگری
آفریقای جنوبی" (کوساتو) دست کم ۶ نفر کشته
شدند و ۸۰۰ نفر از کارگران دستگیر گردیدند.
کارگران باز هم به اعتصاب خود ادامه دادند و
دست از مبارزه برنداشتند. در آخرین هفته ماه
بقیه در ص ۷

در هفته های اخیر آفریقای جنوبی میدان
مبارزه پر شور اکثریت سپاه پوستان با آپارتاید
بود. مردم رزمنده و شجاع آفریقای جنوبی که سال
هاست با رژیم خون آشام این کشور مبارزه می
کنند، اخیراً در اعتراض به انتخابات پارلمان
مخصوص سفید پوستان، مبارزه خود را شدت
بخشیدند.

در این مبارزه کارگران نقش پر جسته و فعالی
داشته اند. کارگران حمل و نقل آفریقای جنوبی
در اعتراض به سیاست آپارتاید از ۶ هفته پیش
اعتصاب کرده بودند. رژیم آپارتاید پیش از این

درومضحات نقد

- * ایران گیت: نگاهی از درون در ص ۴
- * آشتی ملی در افغانستان در ص ۸

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

درد بر خسرو روزبه ...

فرمان آتش داد، در آن لحظه شکفت تاریخی، قهرمان ملی ایران مرگ را به زانودر آورد و دشمن حقیر و هراسان در فوران خون عصیان خیز روزبه از قلب تپنده و پیدارش، مرگ خود را نزدیک دید.

هنوز کلام پر شور و جاویدان روزبه، سرتاسر خاک زخم خورده میهن را در می نوردد و قلب و روح توده ها را تسخیر می کند:

" من به اقتضای آتشی که به خاطر خلق های ایران در درون سینه ام شعله می کشد راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که چنانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تار و پودم وجودم این راه را راه مقدس شناخته است و تمام سلول های بدن من و تمام ذرات وجودم توده ای است. من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم."

صدای روزبه صدای رسولان رنج و پیام آوران آزادی، صدای خشم ستم سوز توده ها، مشت کرده شده و کوبنده زحمتکشان عدالت خواه در سیاه چالها، پولاد آبدیده، عزم آهنین خلق در راه زندگی نوین، پیا دارنده آتش حق و صلح خواهی، صدای طلبه داران بیقرار آزادی و دمکراسی صدای زندانیان سیاسی است. خاطره پرشکوهش گرامی تر باد!

از هنگام تیرباران خسرو روزبه تا امروز - ۲۹ سال - زندان های ایران از وجود پیشاهنگان جنبش انقلابی کشور هیچگاه تهی نبوده است، هم اکنون ده ها هزار نفر از گل های سرسبد جنبش، فرزندان رشید خلق در زندان های مختلف ج.ا. به بند کشیده شده اند. پیروان " ولی فقیه " که از حضور ملموس و موثر نیروهای مترقی و دمکراتیک در میان توده ها پشت و وحشت دارند، روز بروز پر فشار به زندانیان سیاسی می افزایند و چاوشان در بند آزادی را در وضعیت دشوارتری قرار می دهند.

ما برآنیم که دفاع از زندانیان سیاسی، دفاع از آزادی، دمکراسی و از والاترین آرمان های بشری است. ما در این روز رزم و پیکار از همه زحمتکشان، از همه نیروهای آزادی خواه و از بشریت مترقی می طلبیم تا فریاد خود را، برای رهائی زندانیان سیاسی، این منادیان خواست ها و آرزوهای فنا ناپذیر توده ها رسا تر سازند.

پسناست روز زندانیان سیاسی، ما از همه هسته های حزبی و رفقای توده ای می طلبیم تا از هر گونه دلجوئی معنوی و یاری رسانی مادی به خانواده های زندانیان سیاسی یک لحظه غفلت نوزند. دروهای آتشین خود راه زندانیان سیاسی شمار می کنیم. ★

پایان دادن به جنگ ایران و عراق و تحکیم اعتماد میان دولتهای این منطقه می بیند. این موضع اتحاد شوروی از نظریه " تأمین سیستم فراگیر تأمین امنیت بین المللی مطرح در بیست و هفتمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی نشأت می گیرد. در عین حال، اتحاد شوروی بر آن است که خلیج فارس بخشی از اقیانوس هند است و تبدیل آن به منطقه صلح و از جمله پیشنهاد تشکیل کنفرانسی در این زمینه تا سال ۱۹۸۸ از جانب سازمان ملل، قویاً مورد حمایت اتحاد شوروی است. باید از هر گونه عملی که امنیت و آزادی کشتیرانی در خلیج فارس را به خطر می اندازد - خواه از طریق عمل مستقیم، خواه از راه تقویت حضور نظامی کشورهای خارج از حوضه خلیج فارس به بهانه " به اصطلاح تأمین آزادی کشتیرانی - قاطعانه خودداری کرد. این مسائل می توانند و باید پشت میز مذاکره حل و فصل گردند.

معاون وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در خاتمه یاد آور شد که اتحاد شوروی آماده است در مذاکرات چند جانبه دولتهای استفاده کننده از آبراههای اقیانوس هند و از جمله خلیج فارس و تنگه هرمز به منظور تنظیم طرح تضمین امنیت آبراههای دریائی و نیز تضمین حق حاکمیت کشورهای ساحلی بر منابع طبیعی خود، شرکت کند.

چنین است مضمون و محتوی مذاکرات نماینده اتحاد شوروی به هنگام دیدار از برخی از کشورهای کرانه خلیج فارس - اتحاد شوروی مخالفت صریح خود را با حضور نظامی کشورهای خارج از حوضه خلیج فارس در این منطقه اعلام می کند. اتحاد شوروی خواهان حل مسائل حاد خاور نزدیک در یک کنفرانس بین المللی است. اتحاد شوروی خواهان پایان دادن به جنگ ویرانگر ایران و عراق بر پایه صلح عادلانه و با شرکت شورای امنیت سازمان ملل متحد است.

همه این نظرات با خواسته های کلیه خلقهای منطقه و نیز مردم کشور ما مطابقت کامل دارد. اما، سران ج.ا. و بلندگویان آنها می کوشند تا این پیشنهادها منطقی را، به مثابه " دخالت شوروی " در امور منطقه و با کوشش آن برای به اصطلاح " حضور نظامی " در آبهای خلیج فارس جلوه گر سازند. چرا این آقایان حقایق را تحریف می کنند؟ به نظر ما پاسخ روشن است. محافلی در جمهوری اسلامی می کوشند تا با طرح " خطر شوروی " ساخته و پرداخته " سیا " افکار عمومی را از توطئه های امپریالیسم آمریکا منحرف سازند. همه می دانند که هم اکنون دهها ناو جنگی و از جمله یک ناو هواپیمابر ایالات متحده آمریکا در دهانه خلیج فارس و نیز در خود خلیج فارس استقرار یافته اند. چرا سران رژیم دربار " این خطر واقعی سخنی نمی گویند؟ هدف کارزار ضد شوروی از طریق تحریف سیاست دولت اتحاد شوروی در منطقه جز در باغ سبز نشان دادن به آمریکا نبوده و نیست.

حقایق چگونه تحریف ...

زمینه سرمایه مثبتی انباشته شده که بهانه سیاسی کشورهای غیر متعهد، قرار سازمان کنفرانس اسلامی، اعلامیه بروکسل " بازار مشترک " بخشهایی از آن است. وقت آن فرارسیده تا از این سرمایه سیاسی، سود سیاسی بدست آورد. مهم آن است که هر چه زودتر تدارک دعوت یک کنفرانس به منظور تشکیل آن در آینده نزدیک را، آغاز کرد.

معاون وزیر امور خارجه اتحاد شوروی گفت: ما با نظر کسانی که در سال ۱۹۸۸ امکان تشکیل چنین کنفرانسی را پیش بینی می کنند، موافقیم. برای تأمین موفقیت کنفرانس باید با آن برخورد جدی و کارا کرد. بهر حال دعوت کنفرانس نباید به مثابه " جنری " برای ادامه مذاکرات " جداگانه " مورد استفاده قرار گیرد و با کنفرانس از حل فراگیر سیاسی مسئله عدول کند. نباید فراموش کرد که پیرامون دعوت کنفرانس درباره خاور نزدیک، مبارزه " ظریفی جریان دارد. اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، گامی خود را طرفدار آن نشان می دهند، اما می کوشند تا کنفرانس را برای مذاکرات " جداگانه " مورد بهره برداری قرار دهند.

فقط مخالفان حل معضل خاور نزدیک می توانند با این پیشنهاد معقول و سنجیده مخالفت کنند. سران ج.ا. و ارگانهای تبلیغاتی رژیم با تحریف سیاست اتحاد شوروی در منطقه، در زمره " این گونه مخالفان و با صریحتر بگوئیم، چه بخواهند و چه نخواهند، عملاً در صف واحدی با اسرائیل و امپریالیسم آمریکا قرار می گیرند.

پتروفسکی درباره جنگ ایران و عراق هم به تفصیل سخن گفت. وی اظهار داشت: برای پایان دادن به جنگ اقدام سازمانهای بین المللی، بویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد که دارای اهرمهای لازم برای حل مسالمت آمیز اختلافها است، ضرورت دارد. نماینده اتحاد شوروی تأکید کرد که شوروی از پیشنهاد دیر کل سازمان ملل متحد درباره " تشکیل جلسه شورای امنیت در سطح وزرای امور خارجه برای مذاکره پیرامون مسئله مربوطه پایان دادن به جنگ، حمایت می کند. وی گفت، برای اینکه چنین جلسه ای شریک باشد، باید آن را بخوبی تدارک دید و طرح قرار جامع و وزین را تنظیم کرد.

کجای این پیشنهادها با مصالح ملی ایران و خواست عاجل اکثریت قاطع مردم میهن ما در مورد پایان دادن به جنگ منافات دارد که سردمداران رژیم اینهمه رسو و صدادر اطراف آن بلند کرده اند؟ معاون وزیر امور خارجه اتحاد شوروی خاطرنشان کرد که شوروی برای مسئله امنیت کشتیرانی در آبهای خلیج فارس اهمیت زیادی قائل است و تحقق آن را در ارتباط مستقیم با ضرورت

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

زیباست عشق

زیباست عشق

زمرمه ' ماست عشق

دریاست عشق

همهمه ' ماست عشق

باماست عشق

دل ما را

گرماست عشق

در زمهریر سنگ

وزیر تازیان

مهنداری

تنهاست عشق

آواست عشق

صداهاست عشق

بگذار لب به حیل بد و زندهش

بگذار خون گرم بد و شندش

با چادر سیاه بپوشندش

زخمی ش بر تن اما

برپاست عشق

زیباست عشق

گرماست عشق

دریاست عشق

جلال سرفراز

فروردین ۶۵

چنین ترسیم کرده و می نویسد: "و این همه، بر اخلاق مردم، بر رفتار مردم، بر اعتماد مردم، بر خوشبینی مردم، بر علاقه مردم به مسئولان انقلاب (و حتی در مواردی خود انقلاب) اثر گذاشت... و هر کسی به نوعی طغیان کرد... از اینجا دیگر مسئله، رنگ سیاسی محض ندارد، بلکه به رنگهای گوناگون دیگر نیز درمی آید، یعنی طغیان و عصیان و حالت کربز از مرکز...". وی نظر نهایی خود را چنین خلاصه کرده و می نویسد: "هشدارا که مایه و پایه" قوام یک نظام، اعتماد عمومی است. این را صریح بگویم: ما اعتماد عمومی را از دست داده ایم... و این خطر از همه" خطرات ذکر شده بالاتر است."

آری، ما هم با این نظر موافقم که توده های میلیونی مردم به چ.ا. اعتماد ندارند. رژیم "ولایت فقیه" غده" سرطانی جامعه شده است. برای بهبود جامعه باید این غده" سرطانی را از آن جدا کرد. راه دیگری وجود ندارد.

ناپودسازی این انقلاب بر ماتحتیل شده مادر برابر پدیده" جنگ، بیشتر انفعالی برخوردار کردیم تا فعال...".

نویسنده" مقاله که درباره" درگیریهایی درون حاکمیت توضیح نسبتاً کافی می دهد، در مورد دوم، یعنی جنگ از بیان حقایق مراس دارد و می نویسد: "مسئله" جنگ اگر بخواید کماحقه انجام شود، دل شیر می خواهد". او در این باره به تگارش نامه" خصوصی به خمینی و دیگر سران رژیم پسند می کند. حجتی کرمانی نمی خواهد حقایق را با مردم که قربانی اصلی جنگ هستند، در میان بگذارد. علت نیز روشن است. اگر حجتی کرمانی می خواست حقایق را بازگو کند به ناچار می بایست نخست معنی و مفهوم" جنگ تحمیلی" را روشن سازد. همه می دانند که جنگ را امیرالایم آمریکا به دو کشور همسایه تحمیل کرده است. در این صورت نویسنده خواه ناخواه باید به همسانی سیاست رژیم چ.ا. با استراتژی امیرالایم آمریکا در منطقه اذعان کند. از سوی دیگر، او باید اعتراف کند که ادامه" جنگ نه تنها پسود کلان سرمایه داران بازاری است، بلکه سران مرتجع و جنگ طلب چ.ا. نیز هر یک "سود فراوانی" از معامله" تجهیزات نظامی می برند. مثلاً، در ماجرای" ایران - کیت" افتاد که رفسنجانی و شرکا فقط در معامله" مستقیم سلاح با آمریکا و اسرائیل شش میلیون دلار رشوه گرفته اند. به نوشته" مطبوعات خارجی تاکنون در معامله" اسلحه ده ها میلیون دلار سو" استفاده شده که بخش قابل توجهی از آنها به حساب برخی از سردمداران رژیم در بانکهای خارجی ریخته شده است. اینهاست آن اسراری که افشایشان به گفته" حجتی کرمانی" دل شیر" می خواهد.

حجتی کرمانی، درگیریهایی در حاکمیت را تا اندازه ای فاش می کند. او می نویسد: "اگر اوراق دفتر انقلاب، ورق زده شود، درگیریهایی و برخوردها، از زمان شروع انتخابات مجلس خبرگان، کم کم، از راستای هم آهنکی و حفا شئون اسلامی و وحدت و یکپارچگی" همه" قشرها" ... فراتر رفت. بعد هم انتخابات ریاست جمهوری با آن داستان غم انگیز و مفصلش و بعد به موازات آن، انتخابات مجلس شورای اسلامی دوره" اول و بعد هم دوره" دوم که پیوسته و دم بدم فاصله ها بیشتر و بیشتر شد... تا آنجا که - بطوری که گذشت بیماری از" قشر" به "مغز" رسید و عدم تحمل و تند و خشونت در روابط "عصاره های ملت" و در سطح وسیع مملکتی، شیوه ای معمول و رایج شد... و بدتر از همه آن که عده ای رنگ عوض کردند و شان به نرخ روز خوردند...".

در مقاله" "چرا می نویسم" ضمن شارش جهات منفی از "عدم تحمل، شتابزدگی، بی برنامگی، خود بزرگ بینی، روزمرگی، روش انفعالی، وسواس زیاد در مورد مکتب، عدم اجازه" ورود عناصری که صد در صد بی نظر و موافق نباشند در دایره" حاکمیت، دشمن پنداری هر" مخالف" و "دوست پنداری" هر" متظاهر بدوستی"، جوسازی و عدم تبعیت از اصول عقلانی و سیاسی و دینی در دوستی ها و دشمنی ها" سخن می رود که "اثرات نامطلوبی در سطح ملی و بین المللی برای ما بوجود آورده است...".

نتیجه چیست؟ رویگردانی هر چه بیشتر توده های میلیونی از رژیم که حجتی کرمانی آن را

"ما اعتماد عمومی را از دست دادیم"

ریال کلاه برداری کرده اند، پخش کرد. این فقط یک نمونه" کوچک از فساد گسترده ای است که سر ایای رژیم را فرا گرفته است.

نه موسوی اردبیلی و نه دیگر گردانندگان رژیم در سخنان خود منبع و سرچشمه" فساد را فاش نمی سازند. چرا؟ برای اینکه در این صورت می بایست اعتراف کنند: آب از سرچشمه گل آلود است.

-حجتی کرمانی در مقاله ای تحت عنوان" چرا می نویسم" (اطلاعات ۲۴ فروردین) - گر چه با احتیاط و "اگر" و "مگر" های زیاد - گوشه ای از پرده را بالا می زند و مسائلی را مطرح می کند که به نظر ما تکیه روی آنها جایلب است.

وی در مقاله اش "از گرائی، احتکار، عصبانتهای اجتماعی به صورت تند و برخورد افراد، تصادمات رواندگی، شیوع قاچاق و استعمال مواد مخدر، شیوع بازار سیاه در کلیه" کالاهای عصبان زنان و جوانان به صورت بی حجابی یا به اصطلاح" بدحجابی" و احیاناً بی بند و باری یا شکستن حریم عفاف از" ولنگاری جنسی" ارائه" فیلمها و نمایشهای مبتذل از صدا و سیما، ترویج شعبده بازی و تردستی بوسيله" مراجع رسمی و رادیو و تلوویزیون... و وقوع چراشی از قبیل قتل و سرقت و تجاوز به عنف و تقلب در معامله و جعل اسناد و سو" استفاده از اموال و اسناد دولتی و امثال آنها" نام می برد که نشانگر سقوط اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی نظام چ.ا. است.

نویسنده از جامعه به عنوان" بیمار سرطانی" یاد می کند و می نویسد که انواع جلسات و سمینارها با شرکت محققان و دست اندرکاران چ.ا. با صرف "میلیونها تومان بودجه" برای معالجه" بیماری تشکیل می شود، ولی این پدیده های خطرناک که هر کدام یک بیماری عمیق و ریشه دار اجتماعی اند، نه تنها نابود نمی شود، بلکه در تنزایدی روز افزون و وحشتناک "سرطان وار" زندگی و سلامتی جامعه را تهدید می کند."

این اعتراف به اندازه" کافی گویاست و نیازی به تفسیر ندارد. حال باید دید مقرر کیست؟ در مقاله چنین می خوانیم: "... ریشه" همه" این نابسامانیها و انحرافات و این بیماریهای کشنده" اجتماعی، نحوه" اداره" مملکت و شیوه" رهبری جامعه است."

حجتی کرمانی پس از این ارزیابی صحیح بلافاصله از "اولیای اموری که در دلسوزی و خدمتگزاری آنان هیچ شک و تردید" ندارد سخن به میان می آورد. اما این "تذکر" حساب شده نمی تواند فاجعه ای را که مردم میهن ما با آن روبرو هستند، از انتظار پنهان دارد. زیرا این فاجعه محصول سیاست ضد خلقی و ضد ملی رژیم است، این نظام "ولایت فقیه" است که جامعه را به بیماری سرطان دچار کرده است.

حجتی کرمانی برای اینکه "کژک" به دست دشمن نهد" همه" مسائل را مطرح نمی کند. او می نویسد: "این همه را بنده معلول و علت اصلی می دانم؛ یکی درگیریهایی درون حاکمیت که از آغاز انقلاب، همچنان در حال گسترش بوده و از" پوسته" آغاز شده و کم کم پدرون و "مغز استخوان" رسیده است... و دیگری جنگ تحمیلی که به منظور

بودند.

● نخستین دقیق سازی. پاریس، ۱ ژوئیه ۱۹۸۵. مینکر اصلی گفتگوهای میان ایران و آمریکا درباره "ارسال مخفیانه" جنگ افزار آمریکایی به ایران عدنان هاشوقی، سوپر میلیوئر عربستان سعودی بوده است. او پیش از ۵۰ سال دارد و با لبخند فریبنده قادر است هر مصاحبه را آماده پذیرفتن حرفهای خود کند. در وقت خود وی به انجام معاملات چند میلیوئنی دور از عربستان سعودی شهرت داشته است. سپس تبدیل به یک تاجر جهان وطن شده است. در سالهای اخیر هاشوقی نه ارتباطی با دولت عربستان سعودی دارد و نه با دولتمردان آنجا.

با پی بردن به اینکه از ارسال آتی جنگ افزار آمریکایی به ایران می توان سودهای هنگفتی برد، هاشوقی یک گزارش نسبتاً حجیم در ۴۷ صفحه تهیه می کند که کمیته "آثرا" با پیشنهادهای خود به نوشته "روزنامه نگاران انگلیسی کولین اسمیت و پل لاشار - در اختیار رابرت مک فارلین، معاون پیشین پرزیدنت ریگان در امور امنیت ملی می گذارد. مک فارلین همان کسی است که سپس کوشید خودکشی کند. این گزارش تاریخ ۱ ژوئیه ۱۹۸۵ را دارد. این را می توان نخستین روز آغاز "ایران گیت" نامید. گر چه من دلایل زیادی دارم که گفتگوهای پنهانی برای ارسال جنگ افزار آمریکایی به ایران که اینقدر برای جبهه های جنگ ایران و عراق اهمیت دارد از سال ۱۹۸۱ بطور منظم صورت می گرفته است. این گفتگوها ابتدا نتیجه معامله با کمیته های خصوصی آمریکا، تاجران اسلحه در بازار "آزاد" بوده است. سپس صحبت بر سر چیزهای دیگری به میان آمده است و به مثابه طرف گفتگو، محافل رسمی و اشنگتن هم وارد مذاکره با دولت ایران شده اند و اشخاص نزدیک به پرزیدنت ریگان، به دستور او وارد صحنه گردیده اند...

اما آن شهروند سعودی - تنها چهره ای نیست که به آغاز گفتگوها کمک کرده باشد. او احتیاج به کسی داشته است که اوضاع واقعی در تهران را بداند. بسیاری ناظران سیاسی تاکید می کنند که ایران کنونی یک دشت مین گذاری شده است و اگر کسی بکوشد برای حل یک مسئله، مهم بسوی کسی برود چه بسا با مینهایی که بر سر راهش گذاشته اند برخورد می کند.

بدین ترتیب، دومین بازیگری که مذاکرات آمریکا و ایران را تدارک دید: منوچهر قربانی فر، میلیوئر ایرانی وارد صحنه شد. او نزد خیمه شب بازان سیاست نامرئی در خاور نزدیک شهرت فراوان دارد. من تنها درباره "ایران صحبت نمی کنم بلکه منظوم دیگر کشورهای منطقه نیز هست.

وی به محض اینکه دریافت و اشنگتن آمادگی ارسال مخفیانه "جنگ افزار" به ایران را دارد بی درنگ پا در میان گذاشت. در حالی که محل اقامت دائمی قربانی فر در آلمان فدرال است او غالباً به لندن، پاریس، و اشنگتن و دیگر پایتختهای اروپای غربی سفر می کند. و همچنین به ایران. هنگامیکه دو روزنامه نگار از او پرسیده اند که آیا مدتی پیش در ایران بوده است قربانی فر پاسخ می دهد:

- هفته گذشته.

او آدمی است که نه فقط وضع واقعی در کشور خود را احساس می کند بلکه می داند در ایران کی چکاره است.

نخستین دیدار هاشوقی با قربانی فر در آوریل ۱۹۸۵ انجام گرفته است. این دیدار خود تأیید می کند که مذاکرات میان ایالات متحده و ایران پیرامون فرستادن پنهانی اسلحه "آمریکایی برای ایرانیها در ژوئن سال ۱۹۸۵ شروع گردیده است.

پیروت، ۶ دسامبر ۱۹۸۶. حسن صبرا سردبیر هفته نامه "الشرع" به خبرنگار آسوشیتدپرس اظهار کرد که خبر مربوط به مذاکرات در تهران را از اطرافیان حسین علی منتظری، جانشین رسمی خمینی، دریافت کرده است. یعنی سر و صدا در اطراف مذاکره و معامله درباره "ارسال مخفیانه" جنگ افزار آمریکایی بازتاب مبارزه برای کسب قدرت در ایران بوده است. خبر را هم در تهران و هم در اشنگتن تکلیب کرده اند. اما بزودی نمایندگان رسمی آمریکا و

"ایران گیت":

نگاهی از درون همراه با دقیق سازی ها

ایکور بیلایف

مفسر سیاسی "لیتراتورنایا کارتتا" هفته نامه ادبی چاپ مسکو

پیرامون "ایران گیت" بسیار زیاد نوشته شده و بازم بیشتر نوشته خواهد شد. کمیسیون ویژه "کنگره" ایالات متحده آمریکا برای بررسی این اقتضاح تهدید کرده است که نه تنها کبیانی را که دیگر از کاخ سفید رفته اند بلکه همچنین کسانی را که هنوز هم در تیم ریگان مشغول فرمان بازی هستند نمی گذارد خود را پاک و پاکیزه وانمود کنند.

چه بسا شنیده می شود که "ایران گیت" یک امر کاملاً داخلی آمریکاست و ریگان برخی قوانین ایالات متحده را نقض کرده است، به گذاردن آمریکایی هادر این مورد با هم کنار بیایند و دنیا نباید برای درک تمام آنچه که در پیوند با این اقتضاح رخ داده است دخالت کند.

برای من این دیدگاه بازتاب دقیق واقعیات موجود در خاور نزدیک و میانه و بویژه کشورهای همسایه "ما - ایران و افغانستان و همچنین عراق، عربستان سعودی، کویت و چند کشور دیگر نیست. این داد و ستد زنده بر سر ارسال مخفیانه "جنگ افزار آمریکایی به ایران را که بارها با هدفهای اعلام شده "شوری ستیزانه انجام گرفته چگونه می توان توجیه کرد. پرزیدنت ریگان نه تنها بسیار مایل است با آن کسانی در ایران رابطه برقرار کند که می توانند "پس از خمینی" به هموارسازی راه بازگشت ایالات متحده به ایران باری رسانند و دیگر بار سرزمین ایران را علیه ما و متحدانمان مورد استفاده قرار دهد، بلکه او چیزهای بیشتری هم می خواهد.

مطلب دیگری نیز هست که به آن کمتر توجه می شود. در ایران بیش از دو میلیون آواره "افغانی وجود دارند که درباره "آنان زیاد سخن نمی گویند، گر چه اینان یک ماده "خرابکاری هستند که علیه روند آشتی ملی در افغانستان مورد استفاده قرار می گیرند. نشانه هایی وجود دارد که بخشی از جنگ افزارهایی که پنهانی به ایران فرستاده شده برای ادامه "جنگ اعلام نشده علیه حکومت در کابل در نظر گرفته شده بوده است. از این دیدگاه و تجزیه و تحلیل نقش ویژه "یک کشور دیگر در "ایران گیت" است که مایلم بررسیهای خود را پیرامون این اقتضاح بین المللی به خواننده عرضه کنم.

ایران گیت چگونه شروع شد؟

پیروت، ۱ نوامبر ۱۹۸۶. روزنامه "الشرع" گزارشی منتشر کرد مبنی بر اینکه در ایران گفتگوهای میان آمریکا و ایران پیرامون ارسال جنگ افزار آمریکایی به ایران انجام شده است. این خبر داغ یک روز پس از آزادی "دوبود جاکوبسون" و بازگشت او به آمریکا منتشر شد. "دوبود جاکوبسون" گروهان آمریکایی به دنبال گفتگو میان "تریویت" نماینده "طاهری اسقف کانتربری و در واقع فرستاده "سیا" آزاد شد. تمام کسانی که تروریسم را محکوم می کنند آزاد شدن او را تهنیت گفتند. اما کتابه مقاله به اینکه جاکوبسون در نتیجه گفتگو برای ارسال پنهانی جنگ افزار آمریکایی به ایران آزاد شده است (موضوعی که تا ۱ نوامبر ۱۹۸۶ جهان هیچ سوئالی درباره آن نداشت) همه چیز را بشدت تغییر داد.

چرا پرزیدنت ریگان نیاز به چنین معامله ای داشت؟ معامله ای که هر نامه آن آمریکا به ایران جنگ افزار و قطعات بدکی تحویل دهد و ایران با به فراری مناسبات درازمدت سیاسی با آمریکا و تأمین شرایط بازگشت آمریکائیان موافقت کند و در هر حالت امکان نزدیکی تهران به مسکو را کور سازد. و حتی خواسته اند ایران موافقت کند کارشناسان آمریکایی و اسرائیلی را برای بیگیری آنچه که در کشور همسایه اتحاد شوروی می گذرد بپذیرد. و به عنوان یک موضوع فرعی - مسئله "آزاد کردن گروهانهای آمریکایی در لبنان

گزارشهایی رسید که مرا نیز وادار به اندیشیدن پیرامون یک "رد پای" دیگر در "ایران گیت" کرد. هل دهندگان ایران و آمریکا به انجام گفتگوها پیرامون ارسال مخفیانه "جنگ افزار نمایندگان رسمی کشور اسرائیل

منوچهر
قربانی فر

عدنان هاشوقی

یکی از کارمندان بانفوذ "موساد" بوده است. همراه با او ال شویر یکی از بهرپا کنندگان صنایع هواپیماسازی اسرائیل و یاکوب نیرودی یکی از فعالان پیشین موساد و اینک ناشر اسلحه.

● مهدی کروبی نائب رئیس مجلس ایران نیز جزو هیئت نمایندگی ایران کشور بوده و با آرایش تام با نمایندگان اسرائیلی گفتگویی کرده است. تهران، ۲۴ نوامبر ۱۹۸۶. هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که آمریکایی‌ها به ایران موشتک "هاوک" ندادند.

● پنجمین دقیق سازی. فیلادلفیا، ۱ دسامبر ۱۹۸۶. روزنامه "کریستین ساینس مونیتور" اطلاع داد که موشتک‌های "هاوک" به ایران ارسال شده است. تاکیدات چندشایده رسمی ایران در این باره که گویا آنان در زمان رژیم شاه موشتک‌ها را در آمریکا خریده‌اند بی اساس است. ارسال موشتک‌های "هاوک" می‌بایست تحولی در روند جنگ ایران و عراق بسود ایران ایجاد کند.

● تهران، ۲۸ نوامبر ۱۹۸۶. در نماز جمعه هاشمی رفسنجانی اعتراف کرد که معامله‌ای با آمریکا بر سر ارسال جنگ افزار انجام شده و هدف ایران ایجاد مرج و مرج سیاسی در واشنگتن بوده است. در باره "آنچه که مربوط به نقش اسرائیل می‌شود، رئیس مجلس افزود که اگر آنان اسلحه را از طریق اسرائیل برای ما بفرستند و ما مطلع شویم از آن استفاده نخواهیم کرد حتی اگر در جبهه دچار شکست گردیم (منظور او جنگ ایران و عراق است).

● تهران، ۵ دسامبر ۱۹۸۶. هاشمی رفسنجانی اعتراف کرد که طی ۵ یا ۶ سال، جنگ افزارهای آمریکایی را توسط دلان می‌خریده‌اند. او گفت "ما می‌دانستیم که تمام معاملات را دولت ایالات متحده آمریکا تأیید می‌کرده است."

● تهران، ۶ دسامبر ۱۹۸۶. هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که ایران آماده است مذاکرات "غیر مستقیم" با ایالات متحده آمریکا را ادامه دهد. او افزود که "ما مخالف انجام این گفتگوها با همان کسانی که با ما در باره ارسال جنگ افزار صحبت می‌کردند و از مجاری آشنا برای ما استفاده می‌شد نیستیم."

● ششمین دقیق سازی. مذاکرات میان ایران و نمایندگان کمیته‌های خصوصی که در آمریکا برای معاملات تسلیحاتی در بازار جهانی به ثبت رسیده‌اند در واقع در زمانهای مختلف صورت می‌پذیرفته است. اما مذاکراتی از این دست موجب پیدایش "ایران گیت" شده است. به فعالیت دلان خصوصی در آغاز سال ۱۹۸۶ نه تنها پایان داده شد بلکه در آن زمان دورنمای روبراه شدن همکاری نظامی آمریکا-ایران که می‌بایست منجر به نتایج سیاسی-استراتژی مهمی گردد نیز نمایان گردید. مجرای اصلی ارسال تسلیحات از آغاز تابستان ۱۹۸۵ بر اساس توافق‌هایی تعیین گردید که در جریان مذاکرات سری، اما رسمی ایران و آمریکا بدست آمد.

● تهران، ۱۴ نوامبر ۱۹۸۶. خامنه‌ای، رئیس جمهور در خطبه‌های نماز جمعه اعلام کرد: "ایران به هیچ وجه نمی‌تواند در تمام مسائلی که مربوط به سرنوشت گروگانهای آمریکایی می‌شود به ایالات متحده آمریکا کمک کند" (او گروگانهای آمریکایی در لبنان را در نظر داشت).

● هفتمین دقیق سازی. گروگانهای آمریکایی در لبنان اکثر اوقات توسط گروه‌ها و سازمانهای سیاسی هوادار ایران به اسارت گرفته می‌شده‌اند و گرفته می‌شوند. آنان از مدتها پیش موضوع معامله بودند.

● مذاکرات آمریکا و ایران در چه سطحی بوده است؟ از سوی آمریکا بالاترین سطح، برزیدنت ریگان رهنمود می‌داده و سفارشات مشخص برای انجام مذاکرات را به رابرت مک فارلین و همکارانش در شورای امنیت ملی واگذار کرده است. و از سوی ایران بالاترین مقامات حاکمیت به مذاکرات توجه داشته‌اند.

● تهران، ۱۴ نوامبر ۱۹۸۶. خامنه‌ای رئیس جمهور اعتراف کرد که مک فارلین و همراهانش با نمایندگان رسمی ایران گفتگو کرده‌اند. او گفت تنها نمایندگان سرویسهای امنیتی ایران اعضا گروه را مورد پرس و جو قرار داده و با آنان گفتگو کرده‌اند. برای آشنی، تا آمریکا سیاست خود را در رابطه با ایران تصحیح نکند امکانی وجود ندارد.

● هشتمین دقیق سازی. تهران، ۱۴ نوامبر ۱۹۸۶. اگر به سخنان موسوی نخست وزیر ایران باور کنیم، گفتگو با آمریکا بصورت یک بازی سیاسی انجام می‌شده است.

● اما بنظر من این مذاکرات بی‌برده و واقعی بوده و در جریان آن هر دو طرف می‌دانسته‌اند چه می‌خواهند. رابرت مک فارلین مسائل میان آمریکا و ایران را با دکترا لوانی، رئیس بخش آسیا و آفریقای وزارت امور خارجه ایران و محمد علی هادی معاون رئیس کمیسیون امور خارجه مجلس مورد بحث قرار داده است.

ایران اعتراف کردند که خبر داغ "الشراع" دقیقاً منعکس کننده وضع واقعی است.

● دومین دقیق سازی. هامبورگ، آوریل ۱۹۸۵. قربانی فر بر این عقیده بوده است که در ایران سه گروه در مقامات بالائی حاکمیت نفوذ دارند و همه آنها خود را برای دوران "پس از خمینی" آماده می‌کنند. گروه اول نفوذ زیادی در مجلس ایران دارد. این نیرومندترین نیرو در میان هر سه گروه و مدعی اصلی حاکمیت پس از مرگ رهبر روحانی کنونی است. رهبر گروه هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس می‌خواهد جایگزین واقعی شود. گروه دوم اطرافیان حسین علی منتظری، جانشین رسماً انتخاب شده خمینی هستند. او طرفدارانی در فرماندهی "یاسداران انقلاب اسلامی" دارد. با تکیه بر آنها او تصور می‌کند می‌تواند در آینده از عهده رقیبان خود بر آید. هر دو گروه چه در مجلس و چه در اطراف منتظری معتقد به کمونیست ستیزی هستند. بازار، تجار بزرگ و متوسط و "حزب الله" که گرایش به انقلاب اسلامی دارند از آنها پشتیبانی می‌کنند. و بالاخره یک گروه سوم، گروه میانه‌رو وجود دارد. تکیه‌گاه آن شورای عالی قضائی است. از نظر سیاست داخلی بیرو گروه اول است. از نظر سیاست خارجی پسوی اروپای غربی و قبل از همه انگلستان جهت گیری می‌کند. قربانی فر اطمینان دارد که باید تکیه را بر گروه اول گذاشت. او حتی متکام دیدار در هامبورگ که نزد خود او با هاشمی بر گزار شد پیشنهاد کرده است که اگر آمریکا تصمیم بگیرد با ایران گفتگو کند او، قربانی فر، آدمی است که می‌تواند طرف دیگر یعنی ایران را برای این کار آماده سازد. البته او هم مانند هاشمی علاقمند به بهره برداری عظیم از این امکان بوده است.

● تهران، ۴ نوامبر ۱۹۸۶. به گفته هاشمی رفسنجانی، ایران گویا از پذیرفتن نماینده برزیدنت ریگان سرباز زده است. او تاکید کرده است که ایران با ابرقدرتها و قبل از همه با ایالات متحده آمریکا مبارزه می‌کند. و تا آنجا که مربوط به مذاکرات با رابرت مک فارلین در ماه مه ۱۹۸۶ در تهران می‌شود گویا او راجعانی برده و چند روز تحت نظر گرفته‌اند و بدنبال آن به خارج از مرزهای کشور روانه‌اش کرده‌اند. هاشمی رفسنجانی همچنان اعلام کرده است که این آمریکایی ظاهراً بعنوان یک عضو خدمه هواپیمایی که محمولات تسلیحاتی با خود می‌آورده وارد کشور شده است. رفسنجانی نخستین کسی بود که اعتراف کرد لوازم بدکی برای وسایل نظامی آمریکایی که در جبهه‌های جنگ ایران و عراق مورد استفاده قرار می‌گیرد وارد کشور شده است.

● سومین دقیق سازی. واشنگتن، آوریل ۱۹۸۵. ارسال تجهیزات نظامی آمریکایی به ایران تنها از مجرای کمیته‌های خصوصی و با دولت آمریکا صورت نگرفته است. بعنوان طرفی که مشغول ارسال جنگ افزار به ایران بوده "سیا" سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا هم دخالت مستقیم داشته است. جالبترین چیز این است که سرگرد - الیور نورث - یکی از بازیگران اصلی "ایران گیت" سلاحها را پنج برابر گرانتر از آن قیمتی که سازمانهای جاسوسی عرضه می‌کرده‌اند به ایران می‌فروخته است.

● تهران، ۷ نوامبر ۱۹۸۶. هاشمی رفسنجانی ضمن کوشش برای توجیه تماس با آمریکا در یکی از سخنرانیهای منظم خود تاکید کرد که اعزام مک فارلین به ایران ثابت می‌کند که آمریکایی خواهد مناسبات مستحکمی با ایران برقرار سازد. به گفته او آمریکا دیگر بطور کامل اعتراف می‌کند که جمهوری اسلامی دولت چا افتاده است... محافل رسمی ایران در ارتباط با آمریکا گویا از دستورات خمینی رهنمود می‌گیرند که گفته است: "ما تا هنگامیکه آمریکا دست از شیلتت بر ندارد با او رابطه برقرار نخواهیم کرد."

● چهارمین دقیق سازی. هامبورگ، آوریل ۱۹۸۵. چگونه باید با محافل رسمی ایران تماس برقرار کرد؟ این سؤال ساده‌ای نیست! اندیشه یاری خواستن از رجال اسرائیلی را در این راستا نخستین بار هاشمی مطرح کرد. در ایران بهبودی‌های زیادی زندگی می‌کنند که به فارسی سخن می‌گویند. توسط آنان هم می‌توان اطلاعات لازم را جمع آوری کرد و هم معلوم ساخت کار از کجا باید شروع شود. جدی‌ترین مصاحب در این زمینه می‌تواند شخص شیومن پیرز-نخست وزیر وقت اسرائیل باشد.

● در آغاز ژوئیه ۱۹۸۵ هاشمی که دیگر به قربانی فر اعتماد پیدا کرده بود مک فارلین را از پیشنهاد خود مبنی بر جلب اسرائیل به شرکت در مذاکرات آتی مطلع کرد. در واشنگتن البته بی‌سر و صدا، این پیشنهاد را پذیرفتند.

● هامبورگ، ۲۵ ژانویه ۱۹۸۶. هاشمی ترتیب دیدار گروه قربانی فر را با دوستان اسرائیلی خود می‌دهد. در این دیدار داوید کیمیش نماینده شخصی نخست وزیر اسرائیل شرکت می‌کند. وی مدیر کل وزارت امور خارجه و در گذشته

ردبای اسرائیل

اسرائیل، صرفنظر از موضع بی‌نهایت منفی نسبت به انقلاب ایران و نسبت به شخص خمینی و اطرافیانش، بخاطر کشتن بهائی‌ها و ایرانیان یهودی که در کشور زندگی می‌کنند، پس از آغاز جنگ ایران و عراق، موضع خود را تغییر داد. این جنگ در مبارزه علیه اعراب برای تشکیل "اسرائیل کبیر" به نفع او بود. مطالب جالب توجه مربوط به گفتگوها در یک سمپوزیوم که درسامبر ۱۹۸۶ در تل‌آویو برگزار شده است نژد من است. در این سمپوزیوم "اوری لاهرائی"، سیاست‌شناس اسرائیلی بیرامون نقش اسرائیل در "ایران گیت" صحبت کرده است. لاهرائی کارشناس باتجربه‌ای در امور خاورمیانه و نزدیک است که از مدت‌ها پیش او را پیرون از مرزهای اسرائیل می‌شناسند. او نماینده "موساد" در سمپوزیوم بوده است. به او این سؤال راداده‌اند:

فکر می‌کنید که فروختن جنگ افزار به ایران توجیه‌پذیر است؟

بایخ لاهرائی: ما باید منطقیه را نه از دیدگاه امروز بلکه از نقطه نظر دورنمای آینده بنگریم. اسرائیل دارای منافع حیاتی مهم در ایران است و بدین جهت همیشه نیاز به تماس با ایران دارد، باید نظر گرفتن همه آنچه که در اطراف ایران می‌گذرد، باید به آن منافع نگرست. وظیفه "عده" اسرائیلی‌ها طی سالهای اخیر این بود که به ایرانیان بفهمانند که اسرائیل ارسال اسلحه به ایران را تحریم نکرده است. آنان می‌توانند عملاً روی مجرای اسرائیل برای دریافت هر گونه جنگ افزاری حساب کنند. در درون انبارهای ارتش اسرائیل بیش از هر چیز جنگ افزار آمریکائی وجود دارد.

لاهرائی بویژه تاکید کرده است که ایرانیان باید بدانند که اسرائیل با ایران سر جنگ ندارد...

مناسبات ایران و اسرائیل معاست مدت‌هاست که می‌کوشند آنرا کشف کنند.

لاهرائی گفت که برای مشخص کردن خصلت این مناسبات من با شما بیرامون یک دیدار از میان دیدارهای متعددی صحبت می‌کنم که بوقت خود با شاه ایران داشته‌ام. من از او پرسیدم: "علیه‌حضرتا، چرا شما اینقدر درباره "خرید تسلیحات صحبت می‌کنید؟ من در اطراف شادشمنی نمی‌بینم".

شاه خندید و گفت:

ما زیر شمشیر داموکلس حمله علیه خود زندگی می‌کنیم... خطر واقعی برای ایران از سوی مسایکان عرب و بخصوص از سوی عراق است. اگر کسی بتواند به ما حمله کند تنها عراق می‌تواند باشد.

امادربنج مارس ۱۹۷۵ در الجزایر شاه موافقت نامه‌ای را درباره "پایان بخشیدن به درگیریهای مرزی با عراق و قطع جنگ کردستان امضا" کرد. غرب پس از آگاه شدن از این قرارداد شوکه شد. من عراق نمی‌کنم. دودشمن خوشین-شاه ایران و رئیس جمهوری عراق - همدیگر را در آغوش کشیدند و علیرغم امید آمریکائیها و انگلیسیها که درگیریهای میان این دو کشور جاویدان خواهد بود، نشان دادند که می‌توانند اختلافهای خود را از راههای سیاسی حل کنند. ایران شروع به چرخش بسوی اعراب کرد، صدور نفت به اسرائیل را کاهش داد و در همه کارهائی که مربوط به درگیری خاور نزدیک بود محتاط‌تر شد. همان موقع ایران مناسبات خود را با اتحاد شوروی بهبود بخشید. من معامله "گاز ایران و شوروی را در نظر دارم که در موقع خود خشم انگلیسی‌ها و آمریکائیها را برانگیخت. سپس ریگان دست به هر کاری زد تا ساختن لوله "هدایت گاز اورنگوی - اروپای غربی را برهم بزند و نگذارد گاز شوروی به مثابه یک منبع انرژی به کشورهای اروپای غربی وارد شود.

به نظر نقامیان و سیاستمداران اسرائیلی، ایران مهمترین عامل در خاور نزدیک است. در جای نخست، ایران علیه عراق می‌جنگد و اعراب را تضعیف می‌کند. در جای دوم، ایران همیشه بعنوان وزنه‌ای رویاروی اتحاد شوروی و اعراب در خاور نزدیک باقی خواهد ماند، بشرط آنکه در آنجا کسانی بر سر کار بیایند که در حقیقت مناسبات درازمدت با ایالات متحده "آمریکادبیلا" باشند. از این رو حاکمیت کنونی اسرائیل تصمیم گرفته است کمک کند که "پس از خمینی، در تهران رژیم متمایل به آمریکا بر سر کار بیاید. بدین ترتیب فعالیت خرابکارانه "ایران علیه اتحاد شوروی و افغانستان می‌تواند همچنان ادامه پیدا کند. ضمناً این امید هم بجای خود که "روزی روزگاری" در اتحاد شوروی به اصطلاح "بسم اسلام" منفجر شود و در آسیای میانه، ماورا "قفقاز و دیگر مناطق گسترش سنتی اسلام مشکلاتی ایجاد گردد.

خواننده می‌تواند بیردد: چرا سیاست ایران که پس از انقلاب خود را متحد خلق فلسطین، که برای حق مسلم خود بیکار می‌کند اعلام کرد و حتی خود را موظف دانست به اعراب که به منظور آزاد کردن سرزمین‌های اشغال شده توسط

یاکوب نیمروزی



داوید کیم شی



اسرائیل مبارزه می‌کنند کمک کند تغییر کرد؟ صهونیسیم ستیزی ایران کجا رفت؟ پایخ یکی است - دادن اسلحه به ایران برای ادامه "جنگ با اعراب" می‌تواند زمینه‌ساز پفراموشی سیردن شعارهائی هم که مطرح می‌کرد باشند! خواهید گفت، عدم صداقت؟ البته! چنین است که در برابر چشمان جهانیان نه تنها شعارها بلکه همچنین اصول "مبارزه برای عدالت" در دنیای معاصر، که درباره "آن پدران روحانی" انقلاب اسلامی "تاهمین اواخر فریاد می‌کشیدند تغییر شکل می‌دهد. من دیگر درباره "میل برخی از آنان که به هر بهائی به هدف هائی دست یابند چیزی نمی‌گوئیم.

سر و کله "امیرام نیر، رجل متمایل به آمریکای اسرائیلی در تهران پیدا شد. او در هتل "هیلتون" مستقر گردید و با نمایندگان رسمی حکومت ایران مذاکراتی انجام داد. مذاکراتی صریح و مشخص درباره "ارسال جنگ افزار به ایران. ایرانیان احتیاج زیادی هم به لوازم یدکی و هم به مهیات و جنگ افزارهای مدرن دارند. در عین حال در تهران به او فهمانده‌اند که هزینه‌ها به دلار پرداخت خواهد شد که به هر بانکی در هر نقطه "جهان که بخواهند پرداخت یا حواله می‌شود. تربیت معامله هم تضمین شده بود.



تفسیر صادقانه "جرج شولتز" رئیس دیپلماسی آمریکا، البته دیدگاه خود را در مورد "ایران گیت" دارد. تاکید می‌شود که وزیر امور خارجه نه درباره "گفتگوها و نه بیرامون ارسال پنهانی جنگ افزار آمریکائی به ایران چیزی نمی‌دانسته است.

نژد من مباحثات جالب توجهی را چه به گروگانهای آمریکائی وجود دارد. آنطور که هاشمی رفسنجانی اعلام کرده است، گروگانها اینک تبدیل به "کارت‌های سیاسی" شده‌اند که به کمک آنها امکان انجام گفتگو پیدا می‌شود.

جرج شولتز تمام چیزهائی را که بیرامون گروگانهای آمریکائی در پیوند با "ایران گیت" صورت می‌گیرد و همچنین جنبه‌های سیاسی جغرافیائی آن را مطالعه کرده است. او بر آن است که ابتکار سیاسی دیپلماتیک و جاسوسی آمریکا در ایران بخودی خود از اهمیت زیادی برخوردار است. صحبت بر سر تلاشها بمنظور برقرار کردن مناسبات میان آمریکا و ایران است.

من به موقع خود امکان داشتم عقیده "یکی از دیپلماتهای آمریکائی در مسکو را مبنی بر اینکه شکست آمریکا در ایران بسیار فاحش‌تر از شکست او در ویتنام است بشنوم. او بدون پرده‌پوشی تاکید کرد که ایالات متحده با جمیع وسائل خواهد کوشید به ایران باز گردد. برای چه؟ برای اینکه خاک ایران را علیه اتحاد شوروی مورد استقاده قرار دهد. درست به همین جهت است که جرج شولتز البته پس از اینکه از رئیس جمهور چیزکی درباره "فرستادن پنهانی جنگ افزار آمریکائی به ایران شنیده است، به این امر معتقد شده است که ابتکار ریگان درباره "ایران لازم و مفید بوده است. و اگر منجر به نتایج محسوسی می‌شد هر آمریکائی آنرا به گرمی تائید می‌کرد.

گر چه وزیر امور خارجه به هر حال می‌فهمیده است که فرستادن پنهانی جنگ افزار آمریکائی به ایران به هیچ وجه سیمی در امر تحکیم مناسبات ایالات متحده "آمریکا با اتحاد شوروی، کشورهای عربی و پیش از همه عراق ادا نمی‌کند. زیرا مسلح کردن ایران نه تنها عملی ضدعربی بوده است بلکه جرج شولتز جنبه "شدشوروی آنرا نیز به روشنی نشان می‌دهد.

● نهمین و اوسمین دقیق سازی. نیویورک، ۲ آوریل ۱۹۸۷. کمیانی تلویزیونی آمریکا "ان-بی-سی" گزارش داد: "حتی در نیمه" نخست مارس ۱۹۸۷، ایالات متحده "آمریکا ارسال جنگ افزار به ایران را همچنان ادامه می‌داده است". صحبت بر سر وسائل الکترونیکی، که برای هدایت آتش وسائل دفاع ضد هوائی و دیگر سیستم‌های تسلیحاتی بکار می‌رود می‌باشد. هدف - دریافت اطلاعات جاسوسی درباره "اتحاد شوروی و هماهنگ سازی تلاشهای ایالات متحده و ایران در جهت دادن کمک به "جنگش مقاومت در افغانستان" به ازای آن، بوده است. بدون در نظر داشتن "ایران گیت"!

گفته‌ها و نوشته‌ها

مانه زندانی سیاسی داریم

نه پنهاننده سیاسی

وزیر کشور:

"سین آقای محتشمی در رابطه با وضعیت ایرانیانی که تحت نام پنهاننده در خارج از کشور بسر می‌برند گفت: علاوه بر وابستگان رژیم گذشته، منافق‌تیبان و یاسران گروهکهای چنانستار که از ترس مجازات به خارج از کشور فرار کرده‌اند، عده‌ای رفاه‌طلب نیز که نمی‌توانند با معیارهای جمهوری اسلامی ایران زندگی کنند از کشور خارج شده و در کشورهای مختلف بسر می‌برند. بنابراین برابر مقررات بین‌المللی مادر خارج از کشور پنهاننده ای نداریم."

آدم دروغگو کم حافظه هم می‌شود

رئیس مجاس در سالروز "تسخیر لانه جاسوسی":

"مدیه برای هر یک از مایک عدد اسلحه کم‌ری بود و یک عدد کبک هم آورده بودند که به شکل کلید بود و می‌گفتند که این کلید فتح روابط ایران و آمریکا است... بچه‌ها که در فرودگاه و هتل خیلی گرسنه بودند، آن کبک را گرفته و خورده بودند..." (اطلاعات، ۱۴ آبان، ۶۵).

رئیس مجلس در مصاحبه با خبرنگاران خارجی:

"با گفتند به‌عنوان خود یک کبک و اسلحه کم‌ری برای روسای کشور آورده‌اند که مانند پیر فتمین و هر چه بوده برگشته است."

یکجا می‌گوید "بچه‌ها" گرسنه بوده و کبک "نچسب دست بخت کفار" را خورده‌اند و جای دیگر، کبک را نپندیرفته و بر گردانده‌اند.

با احکام اسلام نمی‌شود شوخی کرد!

سخن روز در روزنامه "اطلاعات":

"فراموش شدنی نیست سخن صاحب یک مجتمع مسکونی که حکم تخلیه گرفته بود (التهت از حاکم شرع) و با استناد به آن، خانواده فرد مستضعف و مظلومی را با وجود همه گرفتاریها و عیال واریها و علم غم اینکه کودک شیه خواره‌ای نیز در جمع آنان بود، از خانه و سرپناه بیرون می‌راند و در پاسخ اعتراض این و آن قیافه "حق بجانمی گرفته و می‌گفت: حکم، حکم اسلام است آقا جان! با احکام اسلام نمی‌شود شوخی کرد. اگر مسئله رانندگی پرو به پس تا مسئله دار شوی! حکم خدا را اگر اجرا نکنیم، این ملازمه با کفر دارد!" (اطلاعات، ۱۱ بهمن، ۶۵).

بود، هست، و خواهد بود

خمینی:

"قضیه" تحمیل هم باید بنحوی باشد که فقه سنتی فراموش نشود. آن چیزی که تا بحال اسلام را نگهداشته است همان فقه سنتی است و همه "هست ما باید معطوف این بشود که فقه به همان وضعی که بوده است محفوظ باشد. ممکن است انحصار بگیرند که باید فقه تازه‌ای درست کرد که این آغاز ملامت حوزه است و روی آن باید دقت بشود... باید خیلی متوجه باشید..."

تشدید مبارزه در...

آوریل نیز اعلام شد که ۲۲۰۰۰ کارگر اعتصابی خدمات حمل و نقل آفریقای جنوبی " اخراج شده‌اند.

در این میان جوانان و دانشجویان پرشور و انقلابی آفریقای جنوبی که در تظاهرات و گردهماییهای خودسیاست سرکوبگرانه رژیم را محکوم می‌کنند آرام و قرار را از رژیم سلب کرده‌اند. در "کیپ تاون"، پلیس پسوی هزار دانشجوی که در اعتراض به جمله وحشیانه رژیم آپارتاید به زامپیا تظاهرات کرده بودند تیراندازی کرد و ۴ نفر را کشت. اما چند روز بعد در دانشگاه "ویتواترتراند" شهر ژوهانسبورگ ۳۰۰۰ نفر در آمدند تا به سخنان

"وینی ماندلا" همسر و هم‌رزم نلسون ماندلا، رهبر درهنگ "کنگره ملی آفریقا"، گوش کنند. پلیس به این گردهمایی حمله کرد و ۱۲۰ دانشجو را دستگیر کرد. رژیم آپارتاید که پیش از این برای سرکوب مردم پاندهای اوپاش مسلح را تشکیل داده بود، اخیرا برای ترساندن چروانان، واحدهای شکنجه سیار تشکیل داده است. "ترور مک هوپا"، ۱۶ ساله را یکی از همین پاندها در سوتو دستگیر کرد و در مینی پوس "نیروهای دفاعی آفریقای جنوبی" پس از کتک زدن به او شوک الکتریکی دادند. چرم او این بود که پیراهنی با شعار "نلسون ماندلا را آزاد کنید" پوشیده بود. جوانان برای سازماندهی مبارزه خود "کمیته‌های خیابانی" ویژه، برنامه و شیوه کار خاص خود را دارند. رژیم آپارتاید که از مبارزه پرشور و پیگیر جوانان آفریقای جنوبی وحشت دارد، آنان را هر روز دستگیر و زندانی می‌کند. اخیرا دولت پرتوریا اعلام کرد که ۱۴۲۴ کودک سیاهپوست را که بین ۱۲ تا ۱۸ سال دارند بدون محاکمه و با قوانین حکومت نظامی زندانی کرده است.

مردم آفریقای جنوبی در اجرای رهنمود "کنگره ملی آفریقا" مبنی بر جلوگیری از اداره کردن کشور توسط رژیم آپارتاید ارگان‌های ویژه مبارزه خود را سازمان داده‌اند. "دادگاه‌های مردم" و "کمیته‌های خیابانی و ناحیه" نوعی ارگان‌های قدرت سیاسی در آفریقای جنوبی هستند و در واقع نوعی حکومت محلی مردمی پشمار می‌روند. این ارگان‌ها برای چانشینی نهادها و موسسات رژیم و براساس اراده خلق، از سال ۱۹۸۴ تاکنون در اکثر شهرک‌ها تشکیل شده‌اند. کار این ارگان‌ها سازماندهی تاکتیکی های مبارزه و دفاع از خود، رفع اختلافات محلی و اداره روزانه شهرک‌هاست.

به رغم ممنوعیت تظاهرات خیابانی هزاران نفر از مردم آفریقای جنوبی تظاهرات اول ماه مه را برگزار کردند و در گردهمایی‌ها و راهپیمایی‌هایی به مخالفت با رژیم برخاستند. پلیس به این تظاهرات حمله کرد و تعدادی را نیز دستگیر و زخمی کرد. اعتصاب‌های کارگری که به مناسبت اول ماه مه در اعتراض به سرکوب و اخراج کارگران ادامه داشت.

جوانان توده در کنگره...

کمونیست آلمان "مورد توجه و استقبال وسیع نمایندگان قرار گرفت. سخنران ضمن پشتیبانی همه جانبه از پیشنهاد های صلح میخائیل گارباچف جوانان را به گسترش هر چه بیشتر جنبش صلح فرا خواند. نهمین کنگره سازمان "جوانان کارگر سوسیالیست آلمان" پس از دو روز بحث خلاق و فشرده، حول مهمترین مسائل جوانان کشور، از جمله بیکاری، آموزش و آموزش حرفه‌ای، پرچیدن موشک‌های آمریکا از خاک آلمان فدرال، مشکلات جوانان خارجی و تصویب قطعنامه‌ای متعدد و انتخاب هیئت رئیسه جدید با موفقیت به کار خود پایان داد.

پیش از یک میلیون نفر از کارگران آفریقای جنوبی در اعتراض به انتخابات پارلمان سفید پوستان اعتصاب کردند. این اعتصاب به دعوت "کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی" (کوساتو) و جبهه متحد دمکراتیک صورت گرفت. در قلب صنایع آفریقای جنوبی در منطقه ویتواتر تراند "شهر ژوهانسبورگ که مساعدان طلا، ذغال سنگ و صنعت نفت در آنجاست، ۸۰ درصد کارگران در اعتصاب بودند. بیش از پانصد هزار دانش آموز، کلاس‌های درس را تحریم کردند و در روزهای انتخابات شهر به حالت تعطیل در آمده بود و کسی در خیابان‌ها دیده نمی‌شد.

یکی از رهبران "جبهه متحد دمکراتیک" در مورد این اعتصاب‌ها گفت: "این قاطع‌ترین پاسخی بود که سیاهپوستان به انتخابات سفیدها دادند." گرچه این انتخابات آپارتاید از پیخ وین بی اعتبار است و رای اکثریت عظیم سیاهپوستان در آن انعکاس نیافته است. اما نتایج انتخابات چرخش به راست دیگری را در آراء سفید پوستان نشان می‌دهد. "حزب ملی" پوتا که حزب حاکم است سه چهارم کرسی‌های پارلمان سفیدپوستان را بدست آورد و حزب ماوراء راست "محافظه کار" به حزب دوم نژادپرستان تبدیل شد. "پوتا" پس از انتخابات اظهار کرد که در برابر مبارزان ضد آپارتاید شدت عمل به خرج خواهد داد و همه آنان را به وابستگی به خارج از کشور متهم کرد.

"اولیورتامبر" رهبر "کنگره ملی آفریقا" در واکنش به این انتخابات گفت: "نتایج انتخابات نشان داد که بجز مبارزه مسلحانه هیچ راهی وجود ندارد. مبارزه مسلحانه شدت خواهد یافت."

کار رژیم آپارتاید در داخل کشور سرکوب و کشتار و در خارج تجاوز است و مردم آفریقای جنوبی اراده شکست ناپذیر خود را به زدن این ننگ از دامان بشریت نشان داده‌اند. چنانکه پیداست آفریقای جنوبی وارد دوره تشدید مبارزه می‌شود و در این مبارزه همه‌پستی نقش بزرگی دارد. قلب همه آزادیخواهان جهان با مردم این کشور می‌تپد. در دراز کردن دست پسوی آنان نباید درنگ کرد.

آشتی ملی در افغانستان، خاری در چشم سران جمهوری اسلامی

روز دوشنبه مفتاح اردیبهشت مردم افغانستان نهمین سالگرد انقلاب شور (اردیبهشت) را برشکوه تر از سالهای پیش جشن گرفتند. در حالیکه فقط چند ماه از آغاز روند آشتی ملی می گذرد، نتایج مثبت آن در همه جا ملموس است و از اینرو آسماں سرور و شادی مردم افغانستان رنگ و بوی دیگری داشت.

محافل مترقی و صلح دوست در سراسر جهان از اینکه کانونهای جنگ برادرکشی در افغانستان رو به خاموشی می رود و مردم رنج کشیده این سرزمین می روند که نفسی به آسودگی بکشند، عمیقاً احساس رضایت می کنند. اما مردم افغانستان دشمنانی نیز دارند که بخاطر مقاصد شوم خود مایل نیستند آرامش به افغانستان باز گردد. این دشمنان با تمام نیرو در راه آشتی ملی سنگ اندازی می کنند.

انقلاب افغانستان در سطح جهان و منطقه دشمنان سوگند خورده ای دارد که: امپریالیسم آمریکا، رژیم دست نشانده "ضیا الحق و نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی مهمترین آنها هستند. دیکتاتور پاکستان مناسبات نزدیک و آشکاری با امپریالیسم آمریکا دارد و به ازای خرابکاری در منطقه و دخالت در امور داخلی افغانستان و هندوستان کمک های مالی و نظامی فراوانی دریافت می کند. اما هسانی و هسوئی سیاست ضد افغانی رژیم جمهوری اسلامی با سیاست امپریالیسم آمریکا در نخستین نگاه شگفت آور می نماید. اما تنها در نخستین نگاه!

اگر به تجارب تلخ انقلاب ایران توجه شود درک علل سیاست ضد افغانی سران جمهوری اسلامی چندان دشوار نیست. تزویر و دورویی، دروغ گوئی و فاصله میان حرف و عمل، صفت بارز گردانندگان اصلی جمهوری اسلامی است. آنان نخست با وعده "کمک به "مستضعفان"، بوسه زدن بر دست کارگران و سند زمین دانستن دستهای پینه پسته "دعقنان"، حاکمیت را قبضه کردند و سپس سرمایه داران و ملاکان و خانهای فراری را از نو بر جان و مال و حیثیت انسانی زحمتکشان مسلط ساختند. گفتند شرافت انسانی رابه زن ایرانی بازمی گردانند ولی او را از حقوق انسانی محروم ساختند. گفتند آزادی را برای همه "اقتدار ملت تضمین می کنند ولی خوفناک ترین خفقان را برقرار کردند. گفتند همه "اقتدار ملت مورد حمایت قرار خواهند گرفت ولی غیر از پیروان چهارمذهب برسمیت شناخته شده منکر حق حیات برای دیگر ایرانیان شدند. ایرانیان دگر اندیش نه حق تحصیل دارند، نه حق کار و نه حتی حق نفس کشیدن!

انقلاب شور، زن افغانی را از زنجیر اسارت ارتجاع آزاد کرد و کوشید و می کوشد برابری او را در جامعه و خانواده بتدریج تأمین کند. اما رژیم جمهوری اسلامی آنچه راهم که زنان ایران طی چند ده سال مبارزه کسب کرده بودند خودسرانه نابود ساخت و از نو زنان را راه دور ان نیمه انسان بودن باز

گرداند.

انقلاب شور شروع به تقسیم زمین میان دهقانان کرد. جمهوری اسلامی خانها و ملاکان بزرگ فراری را از نوبه روستاها بازگرداند.

انقلاب شور می کوشد شرایط را برای برطرف ساختن عقب ماندگی کشور فراهم کند. جمهوری اسلامی می کوشد کشور را قرنهای عقب برگرداند.

و شگفت آور اینکه سران رژیم، نظامی راکه عامل فقر و فلاکت و فساد و ترور و اختناق است کلاهی مناسب برای صدور به کشورهای همسایه می بندارند.

گردانندگان جمهوری اسلامی که دخالت در زندگی شخصی هر شهروند مسلمان و غیر مسلمان رابه بهانه "امر به معروف و نهی از منکر" و وظیفه "الهی" خود می دانند، دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه را نیز به بهانه "صدور انقلاب" حق بی چون و چرای خود اعلام کرده اند. اکنون هیچ کشور همسایه ای نیست که شاهد مداخله "بشرفانه" سران مرتجع جمهوری اسلامی در امور داخلی خود و حتی تهدیدهای آشکار به مداخله "نظامی" نباشد. تا آنجا که مربوط به کشورهای وابسته به امپریالیسم، یعنی دوستان و "برادران" سران رژیم در ترکیه و پاکستان می شود، نق زدن در مورد "حجاب اسلامی" با این هدف مزورانه انجام می شود که رنگ و لعاب "فقه غربی" به چهره "جمهوری اسلامی بیزند تابخش "نه شرقی"، یعنی شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی که عملاً بسود امپریالیسم آمریکاست و شرایط را برای زد و بند با او فراهم می کند برد بیشتری داشته باشد.

سخنرانی توهین آمیز موسوی نخست وزیر علیه کشور دوست و برادر همسایه، براه انداختن سروصدا بمناسبت سالگذاشت باصطلاح "کودتای کمونیستی در افغانستان"، مقالات شوروی ستیزانه و ضد افغانی در روزنامه ها، ممانعت از بازگشت قریب خوردگانی که دیگر با واقعیات آشنا شده اند به کشورشان، دخالت مسلحانه و غیر مسلحانه "آشکار و نهان" در امور داخلی افغانستان، کوشش برای سرنگون کردن هوایمی مسافربری افغانی، اعزام غیر قانونی هیئت های نمایندگی به داخل افغانستان و نقاب آنها همه از مظاهر هسوئی و هسانی سیاست ضد افغانی سران مرتجع جمهوری اسلامی با سیاست امپریالیسم آمریکا است.

از اینجا روشن می شود که چرا یکی از شرایط فروش اسلحه "آمریکائی به جمهوری اسلامی با وساطت اسرائیل، دادن بخشی از آنها به ضد انقلاب افغانستان بوده است.

خرابکاری مثلث خبیث امپریالیسم آمریکا-دیکتاتوری ضیا"الحق و رژیم ارتجاعی خمینی البته می تواند دردها و زبانه های تازه تری را برای مردم افغانستان موجب گردد ولی قادر به بازگرداندن چرخ تاریخ به عقب نیست، نه چند صد سال و نه چند ده سال.

"جوانان توده در

کنگوه" کارگران سوسیالیست آلمان"

نهمین کنگره سراسری "جوانان کارگر سوسیالیست آلمان" در روزهای ۱۳ - ۱۲ اردیبهشت با شعار "خلع سلاح فوری، برای آینده بهتر زیستن، رزمیدن و تغییر دادن وظیفه ماست" در شهر فرانکفورت آلمان فدرال برگزار شد. در گزارش رهبری سازمان به کنگره که توسط پیریکت رادو، صدر هیئت رئیسه، قرائت شد ضمن عطف توجه به زمینه مناسب برای اوج گیری جنبش جوانان، به ویژه در مدارس و مراکز آموزش حرفه ای، بر لزوم تقویت و گسترش صفوف اعضای سازمان به منظور تغییر توازن نیروها در کشور تأکید گردید. خصلت کارگری سازمان و توجه به کار در میان طبقه کارگر در ترکیب نمایندگان کنگره به وضوح دیده می شد. از ۷۵۷ نفر که به نمایندگی از سوی ۱۰۸۸ گروه، از جمله ۲۱۶ گروه محل کار و ۲۵۴ گروه مدرسه در کنگره حضور داشتند، ۷۴ درصد را جوانان کارگر تشکیل می دادند و ۲۴ درصد این جوانان به عنوان نمایندگان منتخب سازمان های سندیکایی محل کار فعال بودند.

همبستگی ضد امپریالیستی با خلق های مبارز در راه استقلال و پیشرفت اجتماعی در کنگره انعکاس وسیعی یافت. این همبستگی پیش از همه در حضور نمایندگان بسیاری از سازمان های جوانان انقلابی کشورهای در حال رشد، از جمله هیئت های نمایندگی سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان پیشکام که به نمایندگی از سوی گردان های پیشاهنگ جوانان ایران به کنگره دعوت شده بودند، به چشم می خورد. شرکت کنندگان در کنگره ضمن پشتیبانی همه جانبه از نیکاراکوه انقلابی و رزم ضد آپارتاید، کنگره افریقای جنوبی "خواهان خاتمه فوری جنگ ایران و عراق شدند و نیز آمادگی خود را جهت شرکت هرچه گسترده تر در فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان در بیونگ یانگ اعلام داشتند.

سخنان پرشور هربرت میس، رهبر "حزب بقیه در ص ۷

کمکهای مالی رسیده:

مسافری از نیویورک	۷۰ دلار
"همراه"	۳۰ دلار
"اصفهان"	۴۰ دلار
"سیاوش"	۱۰۰ دلار
"کیوان"	۲۲ دلار
"نیک مردم"	۳۰ دلار
کیوان	۲۷۲ کرون سوئد

NAMEH
MARDOM
Nr. 154

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

12 May 1987

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است